

بخش ۲

بررسی درس‌ها

فصل ۱

تاریخ ادبیات فارسی در قرن‌های ۷، ۸ و ۹

درس
۱

اهداف آموزشی درس

- ۱ شناخت عوامل مؤثر در تغییر سبک از خراسانی به عراقی و دلیل نام‌گذاری سبک عراقی؛
- ۲ آشنایی با تأثیرات فرهنگی، ادبی و اجتماعی حمله مغول؛
- ۳ شناخت وضعیت زبان و ادبیات فارسی بعد از حمله مغول و حکومت ایلخانان در ایران؛
- ۴ آشنایی با لفظ، قالب و محتوای شعر و شاعران و نویسندگان بنام این دوره؛
- ۵ آشنایی با دو جریان نثرنویسی در این دوره؛
- ۶ مهارت در تشخیص شعر سبک خراسانی و عراقی؛
- ۷ ایجاد نگرش مثبت و علاقه نسبت به تحولات ادبی؛
- ۸ شناخت حوزه‌های جدید زبان فارسی؛
- ۹ شناخت و تحلیل عوامل مؤثر در کسادى بازار قصیده و رونق کاربرد غزل؛
- ۱۰ آشنایی با پیامدهای یورش تیمور و حکومت تیموریان در ایران؛
- ۱۱ شناخت وضعیت فرهنگ، ادب و هنر در زمان حکومت تیمور و جانشینانش.

روش‌های پیشنهادی برای تدریس

- ۱ روش پرسش و پاسخ
- ۲ روش کارایی گروه
- ۳ روش تدریس اعضای گروه
- ۴ روش واحد کار و ارائه

حمله مغول و پیامدهای آن

پیامدهای ادبی - فرهنگی حمله مغول:

از نظر اجتماعی و اخلاقی: تسلط مغولان بر ایران انحطاط تمدن ایرانی را به دنبال داشت. حاکمان حادثه‌جو و تازه‌کار مغول از بزرگداشت فاضلان اعراض می‌کردند. بدگویی و تخریب در دستگاه حکومت امری عادی بود به طوری که کمتر وزیری را می‌توان یافت که به مرگ طبیعی در گذشته باشد و معمولاً قتل هریک از آنان از راه تخریب مخالفان او صورت می‌گرفت و افراد جامعه به جای اتحاد و اتفاق در برابر بیگانگان غالباً به جان یکدیگر می‌افتادند و رواج انواع مفسدات از دروغ و تزویر و دزدی، بی‌اعتنایی به فضایل اخلاقی، سیاست و تخریب نتیجه چنین اوضاعی بود.

ویرانی مراکز اصلی علوم، نابودی کتابخانه‌ها، برکناری حکومت حامیان علم و ادب مایه تنزل علمی و فکری ایرانیان گردید. این سقوط وحشت‌انگیز فکری و عقلی در آغاز دوره مغول نامحسوس و بعد از آن روزبه‌روز محسوس‌تر و آشکارتر شد، به طوری که در اواخر این دوره ابتدال فکری و عقلی در نهایت است. این اوضاع آشفته بی‌تردید در کیفیت زندگی و اندیشه و رفتار مردم زمانه اثر داشته و ما انعکاس آن را در آثار ادبی این دوره به صورت اندرز، نصیحت، شوخی، مطایبه، هزل و هجو می‌بینیم.

از میان سخن‌سرایانی که بیشتر به ذکر این‌گونه دردهای اجتماعی پرداختند و بسیاری از طبقات مهم اجتماع را که غالباً به فساد گراییده بودند مورد سرزنش قرار دادند، سیف‌الدین محمد فرغانی شاعر قرن هفتم و خواجه کرمانی شاعر استاد اواخر این دوره و اوحدی مراغه‌ای عارف و شاعر بزرگ قرن هشتم را باید نام برد؛ اما سخت‌ترین و تندترین انتقادهای اجتماعی که در این دوره به آن باز می‌خوریم آثار خواجه نظام‌الدین عبیدالله زاکانی قزوینی است که به نظم و نثر، اوضاع جامعه خود را به باد انتقاد گرفته است.^۱

خوشبختانه عوامل مختلفی سبب شد تا بلای خان‌ومان سوز مغول نتواند همه ایران و ممالک همسایه را بی‌کم و کاست فرا گیرد. بعضی از نواحی ایران بر اثر قبول ایلی و یا در نتیجه اینکه حمله مغول به آن نواحی در سال‌های بعد از چنگیز و جانشینانش انجام گرفت با شدت عمل کمتری روبه‌رو شدند و به صورت مأمّن و پناهگاه فرهنگ ایرانی درآمدند از جمله ناحیه فارس

۱. تاریخ ادبیات ایران، صفا، ذبیح‌الله، جلد ۲، فردوس، نهم، تهران، ۱۳۷۴، صص ۳۴ و ۳۵ (با تلخیص)

در ایران و آسیای صغیر در خارج از ایران ملجأ و پناهگاهی برای ادب‌دوستان قرار گرفتند تا بهانه‌ای باشند برای حفظ و نگاهداشت بازمانده فرهنگ و تمدن ایرانی^۱. چون آهنگ فتنه اهریمنان مغول فرونشستن کرد اندک اندک به همت ایرانیان دانش دوست و ادب‌پرور که در این مناطق گرد آمده بودند بازار دانش نیم رونقی گرفت از جمله مراکز باقی مانده در این دوره نظامیه بغداد بود.

به علاوه مدرسه‌ها و مراکز دانش و ادب هم در دوره تسلط مغول ایجاد شد. از جمله این مراکزهای دانش و ادب شیراز، مراغه، تبریز، سلطانیه، کرمان و در خارج از ایران بغداد و بعضی بلاد روم و شام و هندوستان را باید نام برد. شیعه نیز در شهرهایی مانند سبزوار، مشهد، آمل، ساری، نجف و حله حوزه‌های علمی پرارزش پدید آوردند. در همین حوزه‌ها بود که بازمانده فرهنگ و تمدن ایران و سنن علمی و ادبی ایرانیان حفظ شد و دوباره نیرویی به دست آورد و عالمان و ادیبان و شاعرانی تربیت شدند که خوشبختانه آثار غالب آنان باقی مانده و به دست ما رسیده است^۲.

۱. همان، صص ۳۶-۳۵

۲. همان، ص ۵۴

سبک عراقی

محرک اصلی و به اصطلاح «موتور» تغییر و تحول سبک، تغییر و تحولات اجتماعی است. روی کار آمدن سلجوقیان اوضاع را برای تغییر سبک مناسب کرده بود و دو جریان شعری سبک بینابین و آذربایجانی از سبک خراسانی فاصله گرفته بودند و به سوی سبک عراقی می‌رفتند.^۱ اکثریت شاعران بزرگ قرن ششم به سبکی بینابین سبک خراسانی و عراقی شعر می‌گفتند. شاعران این دوره مانند انوری و ظهیر هم قصیده می‌گویند و هم غزل، غزل آنان متمایل به سبک عراقی و قصیده آنان متمایل به سبک خراسانی است بدون آنکه دقیقاً این یا آن باشد. باید توجه داشت که قصیده‌پردازان دوره غزنوی از قبیل عنصری و فرخی و منوچهری و... غزل‌پرداز نبودند و اگر احیاناً در دیوان آنان اشعاری شبیه به غزل دیده می‌شود معلوم نیست غزل است یا تغزل‌هایی که قسمت مدح آن سروده نشده یا از بین رفته است، به هر حال غزل‌هایی ابتدایی هستند که همان اسلوب تغزل را دارند. حال آنکه غزل در عهد سلجوقی قالبی است که روزبه‌روز به سوی توسعه و تکامل می‌رود. شاعرانی هم که بیشتر به امر قصیده اشتغال دارند مانند مسعود و ازرقی، در قصیده تحولی ایجاد می‌کنند و به لحاظ عواطف و احساسات و صور بیان مخصوصاً تشبیه، قصاید آنان از قصیده‌های سبک خراسان قابل تشخیص است.^۲

سبک آذربایجانی (آزانی) سبک شاعران حوزه شمال غربی ایران یعنی منطقه آران و آذربایجان است. رئیس این حوزه ادبی ابوالعلاء گنجوی بود. شاعران معروف این سبک، مجیرالدین بیلقانی (۵۷۷)، فلکی شروانی (۵۸۷)، خاقانی (۵۹۵) و نظامی (۵۹۹) هستند. مختصات شعری آنان از نظر بنیان زبان، همان زبان خراسانی است. اما از نظر فکر و مخصوصاً از نظر مختصات ادبی تحول شگرفی را نشان می‌دهد به طوری که حتی سبک شعر بینابین قرن ششم در مقایسه با شعر آنان، همان سبک قدیم خراسانی جلوه می‌کند.^۳ سبک عراقی از سده هفتم تا سده نهم هجری طول کشید و اغلب در عراق عجم یعنی اصفهان و دیگر نواحی مرکزی ایران و فارس و کرمان رواج داشت.^۴

۱. سبک‌شناسی شعر، ص ۱۹۲

۲. سبک‌شناسی شعر، ص ۱۰۸

۳. همان، ص ۱۴۲

۴. همان، صص ۲۵۸-۲۶۱

<p>۱ مولانا جلال الدین بلخی</p> <p>- در دو محور اندیشه و احساس آثار جاودانه‌ای پدید آورد. - آثار: مثنوی معنوی، دیوان شمس.</p>	<p>الف) شاعران</p>	<p>چهره‌های ادبی قرن هفتم</p>
<p>۲ شیخ مصلح‌الدین سعدی شیرازی</p> <p>- استاد سخن تعلیمی و غنایی. - آثار: گلستان به نثر مسجع، بوستان در قالب مثنوی، غزل‌های عاشقانه.</p>		
<p>۳ فخرالدین عراقی</p> <p>- غزل‌های عرفانی زیبایی دارد. - در هر فصل مثنوی عشاق‌نامه به یک مبحث عرفانی می‌پردازد و سخن را با تمثیل و حکایت به پایان می‌رساند. - کتاب لمعات او سیر و سلوک عارفانه در قالب نظم و نثر است.</p>		
<p>۱ نجم‌الدین رازی (نجم‌دایه)</p> <p>- از منشیان و نویسندگان توانا و عارفان وارسته در این دوره است. - اثر او: مرصاد العباد من المبدأ الی المعاد. - موضوع: بیان سلوک دین و تربیت نفس انسانی. - نثر: گاهی ساده و گاه دارای سجع و موازنه است و نویسنده گاه در خلال موضوعات، احادیث، آیات و اشعاری از خود و شاعران دیگر نقل می‌کند. - این کتاب نثری شیوا، آراسته و دل‌انگیز دارد.</p>	<p>ب) نویسندگان</p>	
<p>۲ عطاملک جوینی</p> <p>- از نوجوانی به کارهای دیوانی پرداخت و در سفرهای زیادی حاضر بود و اطلاعات زیادی درباره تاریخ مغول گرد آورد. - اثر او: تاریخ جهانگشا - موضوع: شرح ظهور چنگیز، احوال و فتوحات او، تاریخ خوارزمشاهیان، فتح قلعه‌های اسماعیلیه و حکومت جانشینان حس صباح. - نثر: مصنوع و دشوار</p>		
<p>۳ خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی</p> <p>- از چهره‌های علمی و سیاسی عصر ایلخانان. - اثر او: جامع التواریخ به نثر پخته و عالمانه. - اقدام فرهنگی: تأسیس عمارت ربع رشیدی.</p>		
<p>۴ شمس قیس رازی</p> <p>- اثر او: المعجم فی معاییر اشعارالعجم. - از نخستین و مهم‌ترین آثار در علم عروض و قافیه و بدیع و نقد شعر است و نثر ساده و عالمانه دارد.</p>		

چهره‌های ادبی قرن هفتم

مولوی

سرزمین ایران از دیرباز، مهد تفکرات عرفانی و تأملات اشراقی بوده است، از این رو در طی قرون و اعصار، نام‌آوران بی‌شماری در عرصهٔ عرفان و تصوّف را در دامن خود پرورش داده است. یکی از این بزرگان نام‌آور، حضرت مولانا جلال‌الدین محمد بلخی است که به «ملاّی روم» و «مولوی» آوازه یافته است.

وی در ششم ربیع‌الاول سال ۶۰۴ هـ.ق در بلخ زاده شد، پدر او مولانا محمدبن حسین خطیبی است که به «بهاء‌الدین ولد» معروف شده است، و نیز او را با لقب «سلطان‌العلماء» یاد کرده‌اند. بهاء‌ولد از اکابر صوفیه و اعظم عرفا بود و خرقهٔ او به احمد غزالی می‌پیوست.^۱ در نتیجهٔ کدورتی که میان او و سلطان محمد خوارزمشاه پیدا شده بود به درستی معلوم نیست در چه سالی با خاندان و گروهی از یاران خود از بلخ کوچ کرد و به دعوت علاء‌الدین کیقباد در قونیه اقامت گزید و مورد توجه عام و خاص قرار گرفت. مجموعهٔ سخنان او با عنوان «معارف بهاء‌ولد» در تهران به چاپ رسیده است.

در هنگام فوت سلطان‌العلماء مولانا جلال‌الدین گام به بیست‌وپنجمین سال حیات خود می‌نهاد که مریدان از او خواستند بر مسند پدر تکیه زند و او یک سال به ارشاد مریدان پرداخت تا اینکه سیدبرهان‌الدین محقق ترمذی مرید و شاگرد سلطان‌العلماء به قصد دیدار استاد به قونیه آمد؛ وقتی که سید نتوانست به دیدار سلطان‌العلماء نائل شود رو به مولانا کرد و گفت: تو در عالم شریعت و فتوی جانشین پدر شدی؛ اما در باطن هم علومی است که از وی به من رسیده است. این معانی را از من بیاموز تا خلف صدق پدر شوی. مولانا مدّت نه سال با سید همنشین و مصاحب بود و زان پس سیدبرهان‌الدین رحلت کرد.

بود در خدمتش به هم نه سال تا که شد مثل او به قال و به حال

ولدنامه

مولانا در آستانهٔ چهل‌سالگی مردی به تمام معنی، عارف و دانشمند و جامع علوم و فنون مختلف دوران خود بود و مریدان و عامهٔ مردم، چون پروانه برگرد شمع وجود او می‌چرخیدند و بهره‌ها می‌بردند؛ تا اینکه قلندری گمنام و ژنده‌پوش به نام شمس‌الدین تبریزی به قونیه آمد و آفتاب دیدارش، قلب و روح مولانا را بگداخت و این سجاده‌نشین

باوقار و مُقتی بزرگوار را سرگشته کوی و برزن کرد. پیوستن شمس به مولانا در سال ۶۴۲ هـ. ق اتفاق افتاد.

شمس به مولانا چه گفت و چه آموخت و چه فسانه و فسونی ساخت که سراپا دگرگونش کرد معمایی است که «کسی نگشود و نگشاید به حکمت این معما را».
رفته‌رفته آتش حسادت مریدان خام طمع زبانه کشید تا شمس در ۶۴۳ هـ. ق قونیه را ترک گفت: و مولانا فرزند خود، سلطان ولد را همراه جمعی از اصحاب به دنبال شمس فرستاد تا او را به قونیه باز گردانند اما بازگشت همان و تکرار حسدورزی همان؛ تا بدانجا که شمس به سلطان ولد شکایت آورد و گفت:

خواهم این بار آنچنان رفتن	که نداند کسی کجایم من
همه گردند در طلب عاجز	ندهد کس نشان ز من هرگز
چون بمانم دراز گویند این	که ورا دشمنی بکشت یقین
	ولدنامه

و او چند بار این سخنان را تکرار کرد و سرانجام بی‌خبر از قونیه رفت و ناپدید شد و معلوم نشد که بر سر او چه آمد و چه شد^۱.

پس از غیبت شمس، مولوی، بی‌قرار به دنبال گمشده خویشت بود. چیزی نگذشت که صلاح‌الدین زرکوب، مرید پیر و عامی و نه چندان فرهیخته او که در قونیه دکان زرگری داشت، دل وی را ربود. مولانا با وجود ناخشنودی مریدان، صلاح‌الدین را نایب و خلیفه خویشت کرد. پس از مرگ صلاح‌الدین در سال ۶۵۸ هجری، مولوی حسام‌الدین چلبی را که در سلک مریدان وی بود، به دوستی و مصاحبت خود برگزید و مولانا، مثنوی را به درخواست او سرود. حسام‌الدین نزد مولانا مقامی والا و عزیز داشت به طوری که آورده‌اند که «از حضرت خداوندگار (مولانا) سؤال کردند که از این سه خلیفه و نایب کدامین اختیار است؟ فرمود: مولانا شمس‌الدین به مثبت آفتاب است و شیخ صلاح‌الدین در مرتبه ماه است و چلبی حسام‌الدین میانشان ستاره‌ای است روشن و ره‌نما، همانا بیشتر برّیان و بحریان راه را با ستاره می‌یابند.» (مناقب‌العارفین ص ۳۳۵)

در پی تبی سوزان و آتشین در روز یکشنبه پنجم ماه جمادی‌الآخر سال ۶۷۲ هـ. ق وقتی که آفتاب جهان تاب، دامن زرنگار خود را از پهنه زمین برمی‌چید؛ آن آفتاب معرفت و حقیقت نیز پرتو خود را از جهان خاکی برگرفت و رحلت فرمود^۲.

۱. همان، صص ۲۳-۲۰

۲. همان، ص ۳۰

وصیت‌نامه مولانا (ترجمه): «شما را سفارش می‌کنم به ترس از خدا در نهان و عیان و اندک خوردن و اندک خفتن و اندک گفتن و کناره گرفتن از حُرْم‌ها و حریرت‌ها و روزه‌داشتن و نماز برپا داشتن و فرو نهادن هواهای شیطانی و خواهش‌های نفسانی و شکیبایی بر درستی مردمان و دوری گزیدن از همنشینی با نابخردان و سفلگان؛ و همنشینی با نیکان و بزرگواران. همانا بهترین مردم کسی است که برای مردم مفید باشد و مهم‌ترین گفتار، گفتار کوتاه و گزیده است و ستایش از آن خداوند یگانه است.»^۱

آثار مولانا: مولانا زندگانی خود را از آغاز تا به انجام در راه کسب معرفت و تهذیب و تکمیل نفس گذرانید، آنی از رشد و کمال جویی باز نایستاد و هر دم فضیلتی و کمالی نو پدید آورد. این احتمال وجود دارد که اقوال و گفتار او بیش از آثاری باشد که هم‌اینک به‌طور مکتوب در دسترس است. به هر تقدیر آثار مکتوب مولانا به دو بخش نظم و نثر تقسیم می‌شود.

آثار منظوم:

۱ غزلیات که به کلیات یا دیوان شمس یا دیوان کبیر معروف گشته است؛ زیرا مولانا در پایان و مقطع بیشتر آنها به جای ذکر نام یا تخلص خود و برخلاف معمول شعرا به نام شمس تخلص کرده است. این غزلیات بر اثر وجد و حال و بی‌قراری سروده می‌شده و یاران و مریدان، بی‌درنگ به یادداشت آن می‌پرداختند.

به احصای نیکلسون، مجموعه غزلیات صوفیانه مولانا در حدود ۲۵۰۰ غزل است.

۲ رباعیات که دارای معانی و مضامین عرفانی و معنوی است در حدود ۱۶۰۰ رباعی؛ که پاره‌ای از آنها نیز ممکن است از او نباشد.

۳ مثنوی کتابی است تعلیمی و درسی در زمینه عرفان و اصول تصوّف و اخلاق و معارف و... که مولانا بیشتر به خاطر همین کتاب شریف، معروف شده است. مثنوی دریای ژرفی است که در آن می‌توان غوّاصی کرد و به انواع لآکی و اقسام گوهرهای معنوی دست یافت.

آثار منثور:

۱ فیه‌ما‌فیه: این کتاب مجموعه تقریرات مولاناست که در مجالس خود بیان کرده و پسر او بهاء‌الدین معروف به سلطان‌ولد یا یکی دیگر از مریدان یادداشت کرده و بدین صورت درآورده است.

داستان‌ها و مثل‌های فیه مافیه و وجوه بیان مقاصد در موارد کثیر با مثنوی مشابهت دارد.
۲ مکاتیب: این کتاب به نثر است مشتمل بر نامه‌ها و مکتوبات مولانا خطاب به معاصرین خود!

سعدی

مشفرفالدین مصلح‌بن‌عبدالله شیرازی نویسنده و گویندهٔ بزرگ قرن هفتم. تخلص «سعدی» به سبب انتساب این استاد سخن به سعدبن ابی بکر بن سعدبن زنگی است. تاریخ ولادت او را به قرینهٔ سخن خودش در گلستان می‌توان به تقریب در حدود سال ۶۰۶ هجری دانست. اجداد او عالمان دین بودند و پدرش در خردی او درگذشت. سعدی در شیراز به کسب علم پرداخت و سپس به بغداد رفت و در نظامیهٔ بغداد تحصیل کرد. ولی طبعی ناآرام داشت و به سیر در آفاق و انفس متمایل بود. از این‌رو به سفری طولانی پرداخت و در بغداد و شام و حجاز تا شمال آفریقا سیاحت کرد. پس از این سفر با جهانی تجربه و دانش به شیراز برگشت. در این زمان اتابک ابوبکرین سعدبن زنگی در فارس حکومت می‌کرد و امنیت و آسایش برقرار بود. سعدی فراغتی یافت و به تألیف و تصنیف شاهکارهای خود دست یازید. وی با صاحب دیوان و برادرش عطاملک رابطه خوبی داشت و ایشان را می‌ستود و با گویندگان عصر خویش مانند همام تبریزی نیز ارتباط داشت. او در سال ۶۵۵ ه.ق سعدی‌نامه یا «بوستان» را به نظم درآورد و در سال بعد (۶۵۶) گلستان را نوشت. علاوه بر اینها قصاید و غزلیات و قطعات و ترجیع‌بند و رباعیات و مقالات و قصاید عربی دارد که همه در کلیات وی آمده است. عمدهٔ مهارت او در شعر و غزل عاشقانه است و در این باب بی‌نظیر است. شاهکار نثر او، گلستان، مقامه‌نگاری فارسی را به کمال خود رسانده است. سعدی در شیراز درگذشت و آرامگاه او هم بدانجاست.

فخرالدین عراقی

شیخ فخرالدین عراقی از بزرگان تصوف و از شاعران بلند پایهٔ ایران در قرن هفتم هجری است. دیوان عراقی حدود پنج‌هزار بیت قصیده و غزل و ترکیب و ترجیع و ترانه و قطعه و مثنوی دارد و به اهتمام مرحوم سعید نفیسی در سال ۱۳۳۵ به طبع رسیده است. «عشاق‌نامه» یا «ده‌نامه» اثر دیگری از عراقی است که شامل ده فصل مشتمل بر مثنوی

و غزل و دربارهٔ مباحثی از عرفان است که بعدها منشأ ایجاد منظومه‌هایی به نام «ده‌نامه» گردید. اثر معروف دیگر عراقی «لمعات» است که آن را در بیست و هشت لُمعه در بیان مرتبه‌های عشق و بر شیوهٔ سوانح‌العشاق احمدغزالی نگاشته است. این کتاب مشتمل بر مطالب عالی عرفانی است که چندین بار شرح شده است و معروف‌ترین شرح آن اثر جامی است به نام «اشعة‌اللمعات» با نثر شیوا و زیبا.

نجم‌الدین رازی

نجم‌الدین ابوبکرالرازی معروف به «دایه» و متخلص به «نجم» از صوفیان مشهور نیمهٔ اول قرن هفتم و از جمله نویسندگان معروف آن عهد است. نجم‌الدین در شاعری متوسط بود. تعدادی از شعرهای خود را در رساله‌هایش آورده است. اما در نثر انشایش در نهایت سلاست و استحکام و همراه با انتخاب کلمه‌های جزیل و فصیح و سخنش ساده و روان و گاه منشیانه و آراسته و زیبا است.^۱ مهم‌ترین اثر او *مرصاد‌العباد من المبدء الی‌المعاد* در بیان سلوک دین و وصول به عالم یقین و تربیت نفس انسانی است. این کتاب را نجم دایه در فاصلهٔ سال‌های ۶۱۸ تا ۶۲۰ تألیف کرد. اثر معروف دیگر او رسالهٔ «معیارالصدق فی مصداق‌العشق» معروف به «رسالهٔ عشق و عقل» است.

عطاملک جوینی

عطاملک به سال ۶۲۳ هـ.ق ولادت یافت و از جوانی به کارهای دیوانی پرداخت. وی در سال ۶۵۷ حاکم بغداد و عراق و خوزستان شد و بیست و چهار سال در این سمت باقی‌ماند و بنا بر نقل ذهبی، بغداد در عهد حکومت عطاملک آبادان‌تر از روزگار خلافت عباسی گشت. عطاملک در سال ۶۸۱ وفات یافت. مهم‌ترین اثر او کتاب «تاریخ جهانگشای» است در سه مجلد در شرح ظهور چنگیز و فتوحات او و در تاریخ خوارزمشاهیان و حاکمان مغولی ایران و فتح قلاع اسماعیلیه و جانشینان حسن صباح. نثر او در این کتاب به شیوهٔ مترسلان است اما در عین رعایت صنعت و علاقه به تزیین کلام

جانب زیبایی سخن و اصالت معنی را نیز فرو نگذاشته و گاه کلام خویش را به شیوه ساده‌نویسان انشاء کرده است. وی در لابه‌لای سخن به آوردن آیه و حدیث و استناد یا تمثیل به آنها و ذکر شعرهای عربی و فارسی توجه دارد به نحوی که این کتاب علاوه بر آنکه از تاریخ‌های معتبر به زبان فارسی است از جمله کتاب‌های درجه اول نثر فارسی نیز شمرده می‌شود.^۱

خواجه رشیدالدین فضل‌الله

ولادتش در حدود سال ۶۴۸ هـ. ق اتفاق افتاد. وی از جمله بزرگ‌ترین مردان تاریخ ایران است. او تنها وزیری مدبر نبود بلکه مؤلف نامدار و مورخ کم‌نظیر و دانشمندی گرانمایه بود. در بسیاری از ناحیت‌های ایران و مملکت‌های ایلخانی مدرسه‌ها و مسجدها و دارالسیاده‌ها و کتابخانه‌ها و موقوفه‌ها احداث کرد که یکی از آنها مجموعه «ربع رشیدی» بود شامل مؤسسه‌های مختلف از مسجد و مدرسه و خانقاه و دارالشفای دارالسیاده و کتابخانه که عده‌ای از عالمان و صوفیان و طالبان علم در آنجا مشغول کار بودند. کتاب «جامع التواریخ» اثر معروف خواجه رشیدالدین است در تاریخ عمومی به نثر ساده و محکم و استوار.

شمس قیس رازی

از نویسندگان بنام سده هفتم هجری است کتاب «المعجم فی معاییر اشعار العجم» اثر ارزنده اوست در قلمرو علوم ادبی که تا روزگار ما هم اهمیت و نفوذ خود را از دست نداده است. این کتاب مشتمل بر دو بخش است؛ بخش اول در فن عروض و بخش دوم در علم قافیه و نقد شعر. نثر کتاب به ویژه در مقدمه، مصنوع و متکلف و پر از امثال و اصطلاحات و واژه‌های عربی است.

۱ خواجوی کرمانی

- غزل‌پردازی برجسته.
- حافظ در غزل‌سرایی از او تأثیر پذیرفته است.
- دارای چند مثنوی است به تقلید از پنج گنج نظامی.

۲ ابن یمین

- شاعر عصر سربداران.
- قدرت شاعری وی: در سرودن قطعات اخلاقی است.
- محتوای شعر: قناعت‌پیشگی و بی‌اعتباری دنیا.

۳ حافظ

- با تلفیق عشق و عرفان، غزل فارسی را به کمال رساند.
- لحن او گزنده، طنزآمیز و سرشار از خیرخواهی و اصلاح‌طلبی است.
- در غزل او، فرهنگ گذشته ایران با همه کمال ایرانی-اسلامی خود رخ می‌نماید.

۴ سلمان ساوجی

- در غزل به سعدی و مولوی توجه داشته است.
- قصایدی به سبک عراقی دارد.
- مثنوی «جمشید و خورشید» او به شیوه نظامی است.

۵ عبید زاکانی

- شاعری نکته‌سنج و طنزپرداز.
- در منظومه «موش و گربه» ناهنجاری‌های اجتماعی را به خصوص در دو طبقه حاکمان و قاضیان به شیوه تمثیل بیان کرده است.
- رساله دلگشا، اخلاق‌الاشرف و صدپند از نثرهای طنزآمیز او هستند.

۶ حمدالله مستوفی

- مؤلف تاریخ گزیده
- موضوع کتاب: تاریخ پیامبران، خلفای چهارگانه، خلفای بنی‌عباس و تاریخ ایران تا سال ۷۳۰ ه.ق.

چهره‌های ادبی قرن هشتم

خواجهی کرمانی

عارف بزرگ و شاعر استاد ایران در قرن هشتم و منتسب به فرقهٔ مرشدیه (پیروان شیخ ابواسحق کازرونی). بعضی از تذکره‌نویسان به او عنوان‌های «نخلبند شعرا» و «خلاق المعانی» و «ملک‌الفضلا» داده‌اند.

از میان معاصران خواجه، حافظ از همه مشهورتر است. خواجه که به سال و تجربت شاعری بر خواجه تقدم داشت، مدتی که مقیم شیراز بود مانند دوستی که سمت رهبر داشته باشد بر اندیشهٔ حافظ پرتو تعلیم افکنده بود و به همین سبب در دیوان حافظ ابیات بسیاری را می‌یابیم که به تقلید یا استقبال از غزل‌های خواجه ساخته شده و حتی گاه معنی یا لفظی را از او اقتباس کرده است.

مثنوی‌های او عبارت‌اند از سام‌نامه، همای و همایون، گل و نوروز، روضة الانوار، کمال‌نامه و گوهرنامه.

ابن‌یمین

از شاعران شیعه عصر سربداران است. وی بسیاری از شاهان و امرای سربداران را می‌ستاید. وی مردی قانع و گوشه‌گیر و دهقان‌پیشه است که به سرودن قطعه‌های اخلاقی و اندرزی شهرت دارد. علاوه بر قطعات، که شهرت شاعری او در آن است قصایدی در مدح و منقبت امامان شیعه دارد و نیز غزل‌هایی به شیوهٔ معمول شاعران آن دوره؛ عشق و دلدادگی. در مجموع در دیوان او فراز و فرود بسیار است. بیشتر مضامین ابن‌یمین از نتایج حکمت عملی مایه می‌گیرد و در قالب تشبیهات و تمثیلات بدیع عرضه می‌شود.

حافظ

خواجه شمس‌الدین محمد شیرازی ملقب به «لسان‌الغیب» در حدود سال ۷۲۶هـ. در شیراز زاده شد. وی از آغاز جوانی به تحصیل علوم قرآنی، قرائت و تفسیر و کلام و فلسفه و عرفان پرداخت حتی شگرد شاعری و سبک و ویژهٔ خود را از قرآن کریم آموخت. اما هرگز دانش خود را دست‌مایهٔ مال‌اندوزی قرار نداد.

از میان پادشاهان معاصر، شاه شیخ ابواسحاق با او به حرمت رفتار می‌کرد و دوران خوش

سلطنت وی روزگار جوانی حافظ را از رویاهای شیرین سرشار می‌کرد. اما دوران حکومت سخت‌گیرانه امیر مبارزالدین محمد با تعصب و خشونت همراه بود و زندگی او را تلخ می‌ساخت و همین امر باعث سرودن غزل‌های نیشداری در مبارزه با این امیر ریاکار و عوام‌فریب شد. خواجه اساساً غزلسراست و سرمشق او در غزل‌سرایی بیشتر سعدی، کمال اصفهانی، سلمان ساوجی و خواجهی کرمانی است. لحن حافظ تلخ و گزنده و توأم با کنایه و نیشخند است که در آن مایه‌ای از خیرخواهی و اصلاح‌طلبی دیده می‌شود. همان‌طور که قبلاً در تاریخچه غزل گفتیم حافظ استاد غزل‌هایی با تلفیق عشق و عرفان است.

سلمان ساوجی

از شاعران قرن هشتم هجری است که مجموع اشعارش به یازده هزار بیت از قصیده، غزل، قطعه، ترجیع و ترکیب‌بند، رباعی و مثنوی می‌رسد و او در همه این انواع استاد بود چنانکه لسان‌الغیب شیراز در مرتبه شاعری او گفته:

سرآمد فضلالی زمانه دانی کیست؟ جمال ملت و دین خواجه جهان، سلمان

با این حال این شاعر در قصیده تواناتر است، زبان او در قصایدش فصیح و رسا و متمایل به سبک شاعران قصیده‌گوی قرن ششم و آغاز هفتم است. علاوه بر دیوان، از وی دو مثنوی به نام‌های «جمشید و خورشید» و «فراق‌نامه» باقی مانده است.

عبید زاکانی

شاعر طنزپرداز قرن هشتم و زاده قزوین که هنر شاعری او در سخنان طنزآمیز او به نظم و نثر است هرچند از وی اشعار جدی هم باقی مانده است اما این اشعار نسبت به آثار پیشینیان بوی از تازگی و ابتکار ندارد. معروف‌ترین اثر طنز او به نظم، موش و گربه است و آثار طنزآمیز منشور او عبارت‌اند از: اخلاق‌الاشراف، صدپند، رساله دلگشا، رساله تعریفات.

حمدالله مستوفی

مورخ و جغرافی‌دان معروف که از نژاد عرب بود، ولی افراد خاندان او سالیان دراز در قزوین سکونت داشتند. آثار او عبارت‌اند از تاریخ‌گزیده، ظفرنامه و نزهة القلوب.

۱ جامی

- بهارستان را به سبک گلستان نوشت.
- نفحات الانس او در بیان حقایق عرفانی و ذکر احوال و به شیوه تذکرة الاولیای عطار است.
- چند مثنوی از جمله «تحفة الاحرار» را به پیروی از نظامی سرود.

۲ شاه نعمت‌الله ولی

- سرسلسله صوفیان نعمت‌اللهی است.
- دیوان شعری او حاوی مضامین عرفانی است.

۳ دولت‌شاه سمرقندی

- «تذکره دولت‌شاه» را به تشویق امیر علیشیرنویسی نوشت.
- این کتاب شرح احوال بیش از ۱۰۰ تن از شاعران ایرانی از آغاز تا زمان مؤلف است.

۴ جلال‌الدین دوانی

- اثر او: اخلاق جلالی.
- موضوع اثر: اصول اخلاقی.

چهره‌های ادبی قرن نهم

جامی

نورالدین عبدالرحمان جامی معروف‌ترین شاعر قرن نهم در سال ۸۱۷ هـ. در خرجرد جام دیده به جهان گشود و در کودکی به همراه پدر به هرات رفت و فنون ادب و دانش‌های شرعی و دینی را در آن شهر فرا گرفت و پس از آن به حکمت روی آورد. جامی در طول حیات خود آن چنان به مرتبه معنوی دست یافته بود که سلطان حسین بایقرا و امیر علیشیرنویابی به دوستی با او افتخار می‌کردند. وی در محرم سال ۸۹۸ هـ. در هرات درگذشت. مثنوی‌های او عبارت‌اند از: سلسله الذهب، سلامان و ابسال، تحفة الاحرار، سبحة الابرار، یوسف و زلیخا، لیلی و مجنون و خردنامه اسکندری و نثرهای او عبارت‌اند از: بهارستان، نفحات الانس، لوائح و اشعة اللّمعات.

شاه نعمت‌الله ولی

از شعرای عصر تیموری و از اولیا و مشایخ بزرگ متصوّفه است. دیوان اشعارش مشتمل بر چهارده هزار بیت حاوی غزل، مثنوی و رباعی است. رسالاتی هم در تصوّف و عرفان دارد؛ اما دیوانش بهترین اثر اوست. در جوار مقبره او در ماهان کرمان خانقاهی است که در اویش نعمة‌اللهیه غالباً در آنجا اقامت دارند.

دولت‌شاه سمرقندی

از امیرزادگان و رجال قرن نهم هجری است. او در هرات از مقربان ابوالغازی حسین میرزا و امیرعلیشیرنویابی بود. کتاب معروف او تذکرة الشعرا است که در حدود ۸۹۲ هـ.ق تألیف شده است و در آن شرح حال ۱۰۵ تن از شاعران فارسی‌زبان آمده است.

جلال‌الدین دوانی

دانشمند و قاضی معروف قرن نهم. پدرش قاضی کازرون بود و جلال‌الدین بخش اول عمر خود را در آن شهر گذراند و در مدرسه دارالایتام به تعلیم پرداخت. وی حکیمی متکلم و محقق است. آثار او عبارت‌اند از: اخلاق جلالی در علم اخلاق، اثبات الواجب‌الجدید، اثبات الواجب‌القدیم. افعال الله تعالی.

جدول پیشنهادی طرح درس روزانه

مدت جلسه: ۵۰ دقیقه	موضوع درس: تاریخ ادبیات ایران در قرن‌های هفتم، هشتم، نهم	کلاس: یازدهم	مقطع تحصیلی: متوسطه ۲	نام کتاب درسی: علوم و فنون ادبی (۲)		
تاریخ:	تعداد دانش‌آموزان:		نام مدرسه:			
	۱- شناخت عوامل مؤثر در تغییر سبک از خراسانی به عراقی ۲- آشنایی با شاعران و نویسندگان و آثار سبک عراقی ۳- توانایی نقد و تحلیل جریان‌های تاریخی و ادبی تأثیرگذار بر آثار ادبی		کلی	اهداف		
	۱- آشنایی با وضعیت زبان، لفظ، قالب و محتوای شعر و نثر این دوره ۲- بررسی عوامل مؤثر در کسادی بازار قصیده و رواج غزل ۳- شناخت علت نامگذاری سبک عراقی و شناخت حوزه‌های جدید زبان و فرهنگ فارسی ۴- بررسی وضعیت فرهنگ و ادب در دوره تیموری و حکومت ایلخانان ۵- تفکر درباره عوامل ادبی، تاریخی و اجتماعی تغییر سبک‌های ادبی ۶- مطالعه آثار ادبی شاعران و نویسندگان این دوره		جزئی			
	۱- عوامل تغییر سبک را بیان کند. ۲- علت نامگذاری سبک عراقی و حوزه‌های جدید سبک عراقی را برشمارد. ۳- بتواند خلاصه‌ای از شرح حال شاعران و نویسندگان این دوره را بیان کند و آثار برجسته آنها را معرفی کند. ۴- نسبت به مطالعه آثار ادبی این دوره علاقه‌مند شود. ۵- بتواند مضمون بعضی از آثار ادبی یا شرح حال بزرگان را به کمک دیگر دانش‌آموزان به صورت نمایشی اجرا کند.		رفتاری			
	کتاب، تخته، عکس و اسلاید از چهره‌های ادبی یا آثار ادبی نمایش اسلایدهایی از خلاصه درس				رسانه‌های آموزشی	
	روش تدریس اعضای گروه				روش‌های یاددهی-یادگیری و مدل جنبش کلاسی	
زمان	فعالیت‌های دانش‌آموزان	فعالیت‌های معلم		عنوان		
۸ دقیقه	پاسخ به سلام و احوال‌پرسی	سلام و احوال‌پرسی		فعالیت‌های مقدماتی		
		توجه به ویژگی‌های جسمی و روحی و حضور و غیاب				
	ارائه تکالیف و همکاری در گروه‌بندی	بررسی تکالیف گروه‌بندی و مدل کلاس				

۸ دقیقه	پاسخ به سؤالات معلم	<p>ارزیابی سطح دانش آموزان برای دریافت مطلب جدید.</p> <p>بیان خلاصه‌وار آنچه که قرار است گفته شود.</p> <p>اشاره به مفاهیم پایه برای درس جدید.</p> <p>ایجاد و افزایش انگیزه برای یادگیری مطلب جدید.</p>	آشنایی رفتار و روحیه و ایجاد انگیزه	
۵ دقیقه	فعال بودن دانش آموزان در فرایند یاددهی-یادگیری	<p>با تأکید بر نقش هدایت کننده معلم</p> <p>۱- دانش آموزان به گروه‌های پنج نفره تقسیم می‌شوند، در هر گروه اعضا با شماره یا هر مشخصه دیگر نام‌گذاری می‌شوند مثلاً در هر گروه شماره ۱ مشخص می‌شود و الی آخر.</p> <p>۲- برای هر فراگیرنده بخشی از درس تعیین می‌شود (درس به پنج قسمت تقسیم می‌شود).</p> <p>۳- هر فراگیرنده مطلب مربوط به خود را مطالعه می‌کند.</p> <p>۴- سپس نفرهای اول هر گروه گروه‌های جدیدی تشکیل می‌دهند و به همین منوال نفرهای دوم و سوم و چهارم و پنجم در مورد مطلبی که خوانده‌اند بحث و گفت‌وگو می‌کنند.</p> <p>۵- در مرحله بعد معلم از دانش آموزان می‌خواهد به گروه‌های اول خود برگردند.</p> <p>۶- به ترتیب، هر فرد مطلبی را که مطالعه کرده است، برای دیگران توضیح می‌دهد.</p> <p>۷- پس از توضیح هر دانش آموز، دانش آموزان گروه به بحث‌وگو می‌پردازند.</p> <p>۸- در آخرین مرحله، معلم از هر گروه، یک نفر را برمی‌گزیند تا مفهوم کل درس را بیان کند.</p>	ارائه محتوای آموزشی همراه با ارزشیابی مستمر (سازنده)	
۷ دقیقه	<p>شرکت در بحث گروهی و بیان نکات مهم درس.</p> <p>پرسش در جهت رفع ابهامات، پیدا کردن بینش نو.</p> <p>عکس‌العمل مناسب به بازخورد نهایی معلم.</p> <p>دانش آموزان به صورت فردی یا پس از بحث در گروه به سؤالات پاسخ می‌دهند.</p>	<p>هدایت گروه‌ها به سمت بیان نکات مهم درس.</p> <p>ارزیابی و پیگیری (رفع ابهامات).</p> <p>تقویت نکات مهم برای یادگیری بهتر.</p> <p>بازخورد نهایی از عملکرد یادگیرندگان با تأکید بر نقش معجزه‌آسای تشویق.</p> <p>طرح سؤالاتی به صورت کتبی یا شفاهی برای فراگیران.</p>	<p>جمع‌بندی</p> <p>بازخورد</p>	نتیجه‌گیری نهایی
۶ دقیقه	ارائه تکالیف	<p>هر دانش آموزی شعر یا نثری از چهره‌های ادبی درس تهیه می‌کند.</p> <p>هر گروه می‌تواند به طور اختصاصی درباره یک چهره ادبی این دوره تحقیق کند و روزنامه دیواری تهیه کند.</p> <p>حل تمرین‌های کتاب</p> <p>با تأکید بر تکالیف مستقل، خلاقانه و متنوع</p>	<p>فردی</p> <p>گروهی</p> <p>عمومی</p>	تعیین تکلیف

خود ارزیابی‌های درس ۱

۱ حمله مغول چه تأثیری...

حمله مغول به‌عنوان بلای ناگهانی آن‌چنان مهم و قابل توجه است که هنوز پس از گذشت قرن‌ها، آثار شوم آن از میان نرفته و زشتی آن حادثه ننگین از دامن مردم ایران پاک نشده است. به‌طور کلی تأثیرات حمله مغول بر جنبه‌های فکری شعر و نثر قرن هفتم را این‌گونه می‌توان برشمرد:

الف) عرفان و تصوف که از دوره سلجوقیان در ایران رواج یافته بود و خانقاه‌های متعددی ساخته شده بود، بعد از حمله مغول رواج بیشتری پیدا کرد.

ب) نابودی مراکز علمی و کتابخانه‌ها، خاندان‌ها و حاکمان علم و ادب دوست جامعه را چنان به سوی سقوط فکری و فرهنگی سوق داد که آثار آن را حتی در زندگی و افکار آحاد مردم می‌توان مشاهده کرد و به همین دلیل سخن‌سرایانی در این دوره دیده می‌شوند که به ذکر دردهای اجتماعی در اشعار خود پرداخته‌اند و بسیاری از طبقات مهم اجتماع را که غالباً به فساد گراییده‌اند، مورد سرزنش قرار داده‌اند. پ) خوشبختانه عوامل مختلفی سبب شده تا بلای خان‌ومان سوز مغول نتواند همه ایران را بی‌کم و کاست فرو گیرد. همچنین بعضی از نواحی ایران بر اثر قبول ایلی و یا در نتیجه آنکه حمله مغول به آن نواحی در سال‌های بعد از چنگیز و در دوره جانشینان او انجام گرفت با شدت عمل کمتری روبه‌رو شدند و به صورت مأمّن و پناهگاه فرهنگ ایرانی درآمدند. وجود این‌گونه پناهگاه‌ها موجب حفظ بسیاری از رجال علم و ادب و گنجینه فرهنگی و ادبی ایران شد.

۲ دو جریان نثر...

اول: رواج ساده‌نویسی در آثاری مثل طبقات ناصری و مرصادالعباد.

دوم: زبان فارسی در آغاز قرن هفتم زبانی استوار بود و نویسندگان و شاعران بزرگ آن قرن یا از کسانی بودند که در اوان حمله مغول به نویسندگی اشتغال داشته‌اند و یا از کسانی بودند که در دهه‌های اول قرن هفتم تربیت شده و هنگامی که حکومت ایلخانی در ایران تشکیل می‌شد در کار خود بروز و ظهور نموده‌اند و هنوز محیط ادبی سال‌های

آخر قرن ششم و آغاز قرن هفتم را تا آخر قرن هفتم و آغاز قرن هشتم حفظ کرده‌اند. به همین سبب در زبان ادبی قرن هفتم و آغاز قرن هشتم اثرهای فساد کمتری مشهود است. از حیث نفوذ زبان عربی در فارسی باید این دوره را دنباله دوره پیشین دانست. نیمه دوم قرن ششم و آغاز قرن هفتم دوره تأثیر بسیار شدید زبان و ادب عربی در زبان ادبی فارسی بود به طوری که در آثاری که به شیوه انشاء ساده و مرسل نگاشته شده‌اند، نفوذ مفردات عربی کم نیست.^۱

همچنین پیچیده‌نویسی تاریخی در آثاری مثل تاریخ و صاف و تاریخ جهانگشای جوینی نفوذ و تأثیر زبان عربی و ترکی، راه‌یابی واژگان بسیار عربی و ترکی مغولی در آثار این دوره نثر فارسی را از سادگی اولیه خود دور کرد و نثر را به ویژه در زمینه تاریخ‌نویسی به پیچیده‌گویی و دشواری سوق داد.

۳ مقایسه قالب شعر...

در سبک خراسانی قالب شعری مسلط قصیده است. قصاید کامل با تشبیب و مدح و شریطه و دعا است. غزل به معنی مصطلح خیلی کم است. اما رباعی و مثنوی رایج است. مسمط (منوچهری) و ترجیع‌بند (فرخی) هم دیده می‌شود.^۲ در سبک عراقی به دلیل بی‌توجهی حاکمان به شعر مدحی و درباری از رونق بازار قصیده کاسته می‌شود و توجه به غزل و غزل‌سرایی روزبه‌روز بیشتر می‌شود به طوری که در سبک عراقی قالب اصلی و مسلط شعر فارسی غزل است.

۴ فکر و اندیشه مولانا...

مولوی در آثار خود ضمن بهره‌گیری از تعالیم بلند اسلامی، آیات قرآن، احادیث و روایات منسوب به بزرگان دین به طرح عالی‌ترین مسائل عرفانی به بهترین وجه پرداخته است.

۱. تاریخ ادبیات، صفا، ذبیح‌الله، ص ۷۶

۲. سبک‌شناسی، شمیسا، ص ۶۹

۵ عوامل تغییر سبک...

الف) تغییر حوزه جغرافیایی: در سال ۴۳۱ هجری قمری مسعود غزنوی در مرو از سلجوقیان شکست خورد و سلجوقیان علاوه بر تصرف نواحی مرکزی ایران حوزه جغرافیایی قلمرو خویش را تا عراق عجم گسترش دادند. (مقاله موسوی گرمارودی)

ب) عدم توجه سلجوقیان در آغاز کار به شعر و شاعری و کسادى بازار قصیده و رواج غزل

پ) رواج عرفان و تصوّف

ت) تأسیس مدارس دینی و رواج معارف اسلامی

ث) نابودی یا فرار دبیران، شاعران و فاضلان

ج) هرج و مرج حاصل از اختلاف بین امرا و جنگ‌های داخلی

به‌طور کلی می‌توان گفت:

الف) عوامل سیاسی و اجتماعی مثل روی کار آمدن حکومت‌های غزنوی و سلجوقی
ب) تغییر مرکز ادبی و سیاسی از خراسان به عراق عجم.

۶ کدام یک از ویژگی‌های فکری...

حمله مغول و قوت گرفتن اعتقاد به قضا و قدر، بی‌توجهی به امور دنیوی و دل‌بستن به حیات باقی

سرخوردگی و ناامیدی شعرا و ادبا از اوضاع اجتماعی

۷ جدول زیر را...

تعلیمی	مسجع	سعدی	گلستان
عرفانی	ساده	نجم‌الدین‌رازی	مرصادالعباد
تاریخی	مصنوع و پیچیده	عطاملک جوینی	تاریخ جهانگشا

پایه‌های آوایی شعر

درس
۲

اهداف آموزشی درس

- ۱ آشنایی با مفهوم وزن و آهنگ در شعر و موسیقی حاصل از تناوب و تکرار آن؛
- ۲ درک پایه‌ها و پاره‌های آوایی در شعر؛
- ۳ شناخت برش‌های آوایی و مفهوم «پایه» و «رکن»؛
- ۴ توانایی تشخیص مرز بین پایه‌های آوایی؛
- ۵ تقویت مهارت خوانش درست شعر و تقسیم آن به برش‌های آوایی؛
- ۶ درک لذت حاصل از دریافت آهنگ و موسیقی شعر؛
- ۷ توانایی انجام فعالیت‌های درس؛
- ۸ کسب مهارت تطبیق نمونه‌های خارج از کتاب با ابیات درس از نظر وزن و آهنگ؛
- ۹ تقویت مهارت گوش دادن و التذاذ از طریق حس شنیداری.

روش‌های پیشنهادی برای تدریس

- ۱ روش بحث و گفت‌وگو
 - ۲ پرسش و پاسخ
 - ۳ کارایی گروه (گروه‌بندی کلاس به گروه‌های سه یا چهار نفره)
 - ۴ روش تلفیقی (کارایی گروه، سخنرانی و پرسش و پاسخ)
- (در این درس پیشنهاد می‌شود از فایل‌های صوتی برای درک بهتر آهنگ استفاده شود.)

مجموعه عواملی که زبان شعر را از زبان روزمره به اعتبار بخشیدن آهنگ و توازن، امتیاز می‌بخشند و در حقیقت از رهگذر نظام موسیقایی سبب رستاخیز کلمه‌ها و تشخیص واژه‌ها در زبان می‌شوند، می‌توان گروه موسیقایی نامید و این گروه موسیقایی خود عامل شناخته شده و قابل تحلیل و تعلیلی دارد از قبیل انواع وزن، قافیه، ردیف، جناس و... که ما در ذیل، به اختصار، به هر کدام اشاراتی می‌کنیم و همچنین عوامل شناخته نشده‌ای نیز دارد که فقط قابل حس شدن است و نمی‌توان برای آنها قانونی کشف کرد شاید آیندگان به کشف بعضی از این رازها دست یابند.

موسیقی شعر، دامنهٔ پهناوری دارد، گویا نخستین عاملی که مایهٔ رستاخیز کلمه‌ها در زبان شده و انسان ابتدایی را به شگفتی وا داشته است، همین کاربرد موسیقی در نظام واژه‌ها بوده است. انسان ابتدایی رستاخیز واژه‌ها را نخستین بار در عرصهٔ وزن یا همراهی زبان و موسیقی به هنگام کار احساس کرده است. در سیر تاریخی این هماهنگی، صورت‌های مختلف موسیقی زبان، یا زبان نظام یافته، تغییرات و دگرگونی‌های بسیار دیده و تکامل یافته است.

هر مجموعهٔ گفتار از مقداری عناصر آوایی و صوتی به وجود آمده است و این مجموعه‌های آوایی و صوتی، ممکن است با یکدیگر، یا بعضی از آنها، با بعضی دیگر، توازن‌ها یا تناسب‌هایی داشته باشند. به تناسب امکاناتی که در جهت این توازن‌ها، در یک مجموعهٔ آوایی وجود داشته باشد و قابل تصور باشد، انواع موسیقی قابل تصور است. اگر مجموعهٔ آوایی A، B، C، D، E، F در کنار هم قرار گرفت (خواه دارای معنی و نظام نحوی باشد و خواه نباشد) این مجموعهٔ آوایی در رابطه‌ای که اجزایش - به لحاظ انواع تناسب‌ها - با یکدیگر می‌توانند داشته باشند دارای انواع موسیقی‌های زبانی نیز می‌تواند باشد و ما بعضی از این انواع شناخته شدهٔ تناسب‌ها را به اختصار در ذیل، مورد اشاره قرار می‌دهیم: (الف) وزن: وقتی مجموعهٔ آوایی مورد بحث ما به لحاظ کوتاه و بلندی مصوت‌ها و یا ترکیب صامت‌ها و مصوت‌ها از نظام خاصی برخوردار باشد، نوعی موسیقی به وجود می‌آید که آن را وزن می‌نامیم و اهل هر زبانی وزن شعر خود را در تناسب‌هایی خاص احساس می‌کنند که اهل زبان دیگر ممکن است آن تناسب را احساس نکنند به همین دلیل است که چیزی که برای مردم ایران موزون است برای مردم انگلیسی زبان موزون نمی‌نماید و برعکس. وزن می‌تواند - دست کم به لحاظ تجربی - در هر زبانی صورت‌های گوناگون داشته باشد.

ب) قافیه: همان مجموعهٔ آوایی، گذشته از وزن، به لحاظ اشتراک صامت‌ها و مصوتها، در مقاطع خاصی - وسط یا آخر و حتی اول هر قسمت - می‌توانند تناسب دیگری هم داشته باشند که خود صورت دیگری از موسیقی شعر است و آن را قافیه (به معنی عام کلمه که شامل قافیه‌های میانی هم می‌شود) می‌خوانیم. در باب نقش موسیقایی قافیه فقط به این نکته اشاره می‌کنیم که قافیه نیز از نخستین عواملی بوده است که در میان اقوام ابتدایی، به عنوان عامل مؤثر در رستاخیز کلمه‌ها به حساب آمده است و جادوی الفاظ را در سجع کاهنان - که بیماران را شفا می‌داده است - می‌توان دید.

پ) ردیف: شکل دیگری از موسیقی شعر است که در حقیقت تکمیل موسیقی قافیه است یا شکل غنی‌تر شدهٔ قافیه‌هاست^۱.

غزلی از سعدی را با هم می‌خوانیم و به ریتم و آهنگ آن دقت می‌کنیم.

وقت طرب خوش یافتم آن دلبر طناز را
ساقی بیار آن جام می مطرب بزن آن ساز را
امشب که بزم عارفان از شمع رویت روشنست
آهسته تا نبود خبر رندان شاهد باز را
دوش ای پسر می خورده‌ای چشمت گواهی می‌دهد
باری حریفی جو که او مستور دارد راز را
روی خوش و آواز خوش دارند هر یک لذتی
بنگر که لذت چون بود محبوب خوش آواز را
چشمان ترک و ابروان جان را به ناوک می‌زنند
یا رب که دادست این کمان آن ترک تیرانداز را
شور غم عشقش چنین حیفت پنهان داشتن
در گوش نی رمزی بگو تا بر کشد آواز را
شیراز پر غوغا شدست از فتنه چشم خوشت
ترسم که آشوب خوشت برهم زند شیراز را
من مرغکی پر بسته‌ام زان در قفس بنشسته‌ام
گر زان که بشکستی قفس بنمودمی پرواز را
سعدی تو مرغ زیرکی خوبت به دام آورده‌ام
مشکل به دست آرد کسی مانند تو شهباز را

با خوانش درست شعر، به درنگ منظم و یکنواختی که بعد از هر دسته از هجاها وجود دارد پی می‌بریم و در می‌یابیم که خانه‌ها به گونه‌ای منظم کنار هم چیده شده‌اند، به هر یک از این خانه‌ها که برش آوایی ایجاد کرده‌اند «پایه» یا «رکن» می‌گویند. پایه‌ها مانند آجرهایی هستند که در ساخت بنای شعر به کار می‌روند. وزن شعر، در حقیقت حاصل چینش بسامان این پایه‌های آوایی است. وزن، توالی ضرب آهنگ است که برای موزون کردن نوای موسیقی کلام به کار می‌رود.

با توجه به بیت زیر و بازخوانی آن مرز بین پایه‌های آوایی و درنگ منظم بین هر دسته از هجاها را درک می‌کنیم.

ای ساربان، آهسته ران کارام جانم می‌رود
وان دل که با خود داشتیم با دل ستانم می‌رود

ای ساربان	آهسته ران	کارام جانم	نم می‌رود
وان دل که با	خود داشتیم	با دل ستانم	نم می‌رود

بعد از خوانش درست بیت بعد در می‌یابیم که همین درنگ منظم بین هر دسته از هجاها تکرار می‌شود.

من مانده‌ام مهجور از او، بیچاره و رنجور از او
گویبی که نیشی دور از او، در استخوانم می‌رود

من مانده‌ام	مهجور از او	بیچاره و	رنجور از او
گویبی که نی	شی دور از او	در استخوانم	نم می‌رود

این توالی ضرب آهنگ‌ها در ابیات یک شعر همان مفهوم هم‌وزنی است که موسیقی و آهنگ یکنواختی در فضای شعر می‌آفریند؛ همان طوری که با خوانش بسامان بیت زیر به موسیقی و توالی ضرب آهنگ آن پی می‌بریم.

هر که چیزی دوست دارد، جان و دل بر وی گمارد
هر که محرابش تو باشی سر ز خلوت بر نیارد

هر که چیزی	دوست دارد	جان و دل بر	وی گمارد
هر که محرابش	باشی با شی	سر ز خلوت	بر نیارد

خودارزیابی

۱ با خوانش درست ابیات...

الف) ای خوش منادی‌های...

دی ها یِ تُ	در باغِ شا	دی ها یِ تُ	ای خَش مُ نا
مِه مَانِ تُ	جانِی کِ شَد	شا دی خُرَد	بَر جَا یِ نَان

ب) دلم را داغ عشقی...

جَ بَیْنِ نِه^	غِ عِشْقِی بَر	دِ لَم رَا دَا
تَ شَیْنِ دِه	بَ یَا نِی آ	زَ بَا نَم رَا

پ) اسیرش نخواهد...

ز بِنْد	رَ هَا یِی	نَ خَا هَد	اَسِی رِش
کَ مَنْد	خَ لَاصِر	نَ جَو یَد	شِ کَا رِش

ت) عنکبوتی را به حکمت...

دَا م دَا د	رَا بَ حِکْمَت	عَن کَبُوتِی
رَا م دَا د	رَا دَ رُو آ	صَد^ رِ عَا لَم

ث) بیا تا گل برفشانیم و...

غَرَن دَا زِیْم	مُ مِی^ دَ رِ سَا	بَ رَفِ شَا نِی	بِ یَا تَا گِل
دَ رَن دَا زِیْم	مُ طَر حِی نُو	فَ بَشِ کَا فِی	فَلک رَا سَق

۲ با خوانش درست بیت‌ها...

(الف) یا رب از عرفان...

شارِدِه	مَازِه‌ای سر	فان مَرا پی^	یا رَبَّزِ اعر^
دا رِده	هُدِ لِ بی	جانِ آ گا	چش مِ بی نا

(ب) مکن پیش دیوار...

بِ سی	ر غی بت	ش دی وا	م کن پی
ک سی	ش دارد	پ سش گو	ب ود کز

(پ) باران اشکم می‌دود...

تَش می جَد هد	وز اَبَر ما	کَم می دَ ود	با رانِ اشد
شَد خا م را	سو زش نَ با	گو این سُد خن	با پخ تِ گان

(ت) هر کسی را...

ها دِ اَم	سی ر تی بن	هر ک سی را
دا دِ اَم	اص ط ل ا حی	هر ک سی را

(ث) مرا گه گه به...

د می کن	بِ در دی یا	مَ را گه^ گه^
ن ما ید	هُ مِ جان می	کِ در دت مر

۳ با توجه به آهنگ...

(الف) من که دارم در گدایی...

	از هِـ زَا ران		
	صا دِ قَا نِی	ما لِ دِنِ یا	

(ب) من امشب آمدستم...

نَ ما یِشِها	صَ وَا بَتِ را		
		بِ حَا فِظِ گو	

(ت) دلبر جانان من

	دَل بَدُّ دَا		
دَا نِها	سَا حِلِ در	دَر جَ هان	جُمَلِ یِ ما

توجه

هدف از این تمرین تقویت تشخیص هم وزنی و پایه‌های آوایی همسان است و دانش‌آموزان می‌توانند بدون توجه به معنی به هم‌وزنی و هماهنگی فکر کنند.

۴ پیامدهای حمله مغول...

وضعیت زبان و ادبیات فارسی در این دوره مثل بسیاری از دانش‌های دیگر، با دوره‌های پیش از خود متفاوت شد و به نوعی دچار سستی و نابسامانی گردید. چرا که بسیاری از دانشمندان و ادیبان کشته و یا متواری شدند. در کنار این عوامل مخرب و منفی در این دوره عوامل مثبتی وجود داشت که رشد زبان و ادبیات فارسی را موجب شد. با انتقال قدرت از خراسان به مرکز ایران زبان و ادبیات فارسی در ناحیهٔ عراق عجم گسترش یافت.

اهداف آموزشی درس

- ۱ آشنایی با مفهوم خیال و تخیل؛
- ۲ شناخت ارتباط تخیل شاعر با دنیای بیرون؛
- ۳ آشنایی با مفهوم تشبیه و پایه‌های آن؛
- ۴ توانایی تشخیص تشبیه و ارکان آن در نمونه‌های مختلف متون؛
- ۵ کاربرد مفهوم تشبیه در شعر و نثر؛
- ۶ درک زیبایی‌های ادبی حاصل از کاربرد تشبیه در متون نظم و نثر؛
- ۷ شناخت و تشخیص انواع تشبیه.

روش‌های پیشنهادی برای تدریس

- ۱ پرسش و پاسخ
- ۲ بحث و گفت‌وگو
- ۳ تلفیقی (گروه‌بندی، بحث و گفت‌وگو و سخنرانی)
- ۴ کارایی گروه

دانش‌افزایی

خیال یا تصویر حاصل نوعی تجربه است که اغلب با زمینه‌ای عاطفی همراه است و ناقدان معاصر از پیوستگی ایماژ و عاطفه به تفصیل سخن گفته‌اند و معتقدند که هر ایماژی باید عاطفه و شوری به همراه داشته باشد.

خیال‌ها، یعنی تجربه‌های حسی، واسطه‌های انتقال تجربه‌های عاطفی است، زیرا غم و شادی و هرگونه عاطفه‌ای در انسان مشترک است. همه کس شاد می‌شود و همه کس، غمگین. حیرت و شوق یا نفرت و ملال چیزی نیست که در شاعران به صورت انحصاری

وجود داشته باشد. آنها از چیزهایی سخن می‌گویند که دیگران نیز در آن زمینه با آنها مشترکند. اما بیداری آنها در برابر رویدادها، یعنی تجربه‌های ذهنی ایشان، همواره با نوعی تشخیص و برجستگی همراه است که ما عواطف خود را در تجربه شعری ایشان بهتر می‌بینیم و اینکه کروچه (در کلیات زیباشناسی) می‌گوید: شعر انسان را به مقام بالاتری - که در وجود اوست - عروج می‌دهد، بیان همین مطلب است.

کشف هر یک از قوانین طبیعت، خود نوعی بیداری است، نوعی تجربه و نوعی شعر است. آنچه که شاعر ادراک می‌کند، بیداری اولی و تجربه نخستین و کشف است، آنچه که از شعر او برای دیگران حاصل می‌شود، بیداری ثانوی و تجربه نخستین و کشف است.

امروزه ناقدان معاصر، براساس همین عقیده، می‌کوشند که شعر را و هنر را تجربه انسان بنامند و قدیمی‌ترین کسی که از شعر به عنوان تجربه یاد کرده است، یکی از ناقدان اسلامی، یعنی ابن اثیر است که در کتاب الاستدراک از ارتباط شعر و تجربه سخن گفته است و در اروپا امیل زولا این تعبیر را رواج داده است.

تجربه شعری چیزی نیست که حاصل اراده شاعر باشد، بلکه یک رویداد روحی است که ناآگاه در ضمیر او انعکاس می‌یابد، از آنجا که هر کسی در زندگی خاص خود تجربه‌های ویژه خویش را دارد، طبعاً صور خیال او نیز دارای مشخصاتی است و شیوه خاصی دارد که ویژه خود اوست و استعارات و تشبیهات و مجازهایی ویژه خویش دارد که می‌توانیم آنها را تصاویر آن شاعر بنامیم؛ تصاویر روح او.

دانش بیان از بنیادهای استوار بلاغت است و آموختن فنون و اشارات آن آدمی را با چهره‌های گوناگون خیال و صور رنگارنگ معنی آشنا می‌سازد^۱.

انسان‌ها در مواجهه با طبیعت و دنیای بیرون بینش‌ها و نگرش‌های متفاوتی دارند و هر بینش و نگرش، زبان خاصی را می‌طلبد و در آن متجلی می‌شود و در عالم ادب، ادیب نگرش احساسی و مخیل به جهان (درون و بیرون) دارد که با زبانی تصویری (مخیل و عاطفی) (احساسی) همراه است و در آن معمولاً واژه‌ها و جملات در معنای عادی و اصلی خود به کار نمی‌روند؛ در واقع شاعر یا نویسنده جهان را دیگرگونه می‌بیند و لاجرم برای بیان این دیگرگونی، دیگرگونه سخن می‌گوید؛ به عبارت دیگر متفاوت دیدن جهان در زبانی متفاوت آشکار می‌شود^۲.

۱. بیان، تجلیل، ص ۴۳

۲. بیان، شمیسا، ص ۱۶

برای مثال در بیت زیر حافظ لب یار را لعل پنداشته و واژه لعل را در معنی لب به کار برده است:

خدا را ای رقیب امشب زمانی دیده بر هم نه
که من با لعل خاموشش نهانی صد سخن دارم

کار علم بیان کشف این تفاوت معنایی در کاربرد واژگان بیان و ارتباط معنای نهاده و نانهاده واژگان است. در علم بیان روش دریافت مراد گوینده توضیح داده می‌شود. همچنین از طریق علم بیان است که متوجه می‌شویم شاعران و نویسندگان چه خیالی کرده‌اند که بر طبق آن خیال، واژگانی را به جای واژگان دیگر به کار برده‌اند و بدین ترتیب علم بیان شارع و شاعرهای است که ما را به شهر رویایی و مخیل هنرمند و اثر هنری می‌برد و هنرمند کسی است که مخیل و تصویری و عاطفی می‌اندیشد و می‌بیند و بیان می‌کند. بحث از تصویرهای شاعرانه، موضوع علم بیان است. در قدیم این تصویرها را در چهار مقوله مجاز، تشبیه، استعاره و کنایه محدود می‌کردند. اما امروزه تصویرهای دیگری هم در علم بیان مطرح است از قبیل: اسطوره، سمبل، آرکی تایپ و...^۱

انواع و اقسام تشبیه

تشبیه: ادای معنای واحد به ممکن است به شکل‌های مختلف صورت پذیرد که یکی از مهم‌ترین آنها استفاده از تشبیه است. تشبیه ادعای همانندی بین دو چیز یا پدیده است (مشبه و مشبه‌به) که به وسیله یک یا چند ویژگی مشترک به هم مربوط می‌شوند. تشبیه نوعی تلاقی ذهن و خیال شاعر با دنیای بیرون است.

برای مثال شاعر برای بیان بی‌قراری و بی‌تابی دل خویش در دنیای بیرون به دنبال مصداق عینی و ملموس می‌گردد تا بتواند راحت‌تر و مؤثرتر شرح عشق خود باز گوید و از این رهگذر بید را در دنیای ذهن و خیال خود مجسم می‌کند و در می‌یابد که چقدر شبیه دل بی‌تاب و بی‌قرار اوست و به زبان می‌آید و می‌سراید: دل صنوبریم همچو بید لرزانست. در تعریف تشبیه گفته‌اند تشبیه مانند کردن چیزی است به چیزی مشروط بر اینکه آن ماندگی مبتنی بر کذب باشد نه صدق؛ یعنی ادعایی باشد نه حقیقی یعنی علی‌الظاهر آن دو چیز شبیه به هم نیستند و بین آنها مشابهت نیست و این ما هستیم که این شباهت را ادعا و برقرار می‌کنیم.

تشبیه از جهت حضور ارکان آن در متن یا حذف بعضی از آنها انواع و اقسام متفاوتی دارد. طبق تعریف تشبیه گسترده نوعی از تشبیه است که حداقل سه رکن تشبیه در آن ذکر شده باشد و فشرده به تشبیهی می‌گویند که متشکل از مشبه و مشبه‌به باشد که خود بر دو قسم است: ترکیب اضافی، و غیر ترکیبی.

با توجه به مثال‌های زیر درمی‌یابیم در شعر اول یک تشبیه گسترده به کار رفته است و به ترتیب در بیت دوم و سوم تشبیه فشرده به صورت ترکیب اضافی و غیر ترکیبی به کار رفته است.

۱ پیمان برادری است، با جبل‌النور چون آیه‌های جهاد، محکم.

۲ هم گلستان خیالم ز تو پر نقش و نگار هم مشام دلم از زلف سخن‌های تو خوش و

۲ عشق دُر دانه است و من غواص و دریا میکده سر فرو بردم در آنجا تا کجا سر بر کنم البته در کتب بلاغت تقسیم‌بندی‌های متعددی از جهت حسی و عقلی بودن طرفین تشبیه یا مفرد و مرکب بودن آنها و... وجود دارد که بحث درباره آنها در این مقال نمی‌گنجد و از میان آنها فقط به شرح تشبیه تمثیل بسنده می‌کنیم.

تشبیهی را که وجه شبه آن مرکب باشد در برخی از کتب بیانی، تشبیه تمثیل گفته‌اند، حال آنکه بین آنها فرق است.

راست است که تشبیه تمثیل هم به لحاظ مرکب بودن وجه شبه، دارای مشبه‌به مرکب است، اما به هر تشبیه مرکبی، تشبیه تمثیل نمی‌توان گفت و در واقع بین آنها نسبت عموم و خصوص است، یعنی هر تشبیه تمثیلی مرکب هست، اما هر تشبیه مرکبی، تمثیل نیست. تشبیه تمثیل، تشبیهی است که مشبه‌به آن جنبه مثل یا حکایت داشته باشد. در تشبیه تمثیل مشبه امری معقول و مرکب است که برای تقریر و اثبات آن مشبه‌بهی مرکب و محسوس ذکر می‌شود. در تشبیه تمثیل ممکن است ادات ذکر یا حذف شود:

تو خود نابی و گر آیی بر من بدان ماند که گنجی در خرابی

سعدی

تفاوت تشبیه تمثیل با ارسال‌المثل

در ارسال‌المثل هم معقولی به محسوس مرکب تشبیه می‌شود. اما مشبه‌به جنبه ضرب‌المثل دارد و می‌توان آن را بدون مشبه خواند. در ارسال‌المثل ادات تشبیه ذکر نمی‌شود:

غم عشق آمد و غم‌های دگر پاک ببرد سوزنی باید کز پای برآرد خاری^۱

خودارزیابی

۱ در ابیات زیر تشبیه...

الف) چو مرغ بنالم: تشبیه گسترده؛ م در بنالم: مشبه، مرغ: مشبه‌به، چو: ادات تشبیه، نالیدن: وجه شبهه
 تو همچو سرو بالای: تشبیه گسترده؛ تو: مشبه، سرو: مشبه‌به؛ همچو: ادات تشبیه، بالیدن: وجه شبهه
 چو ابر بگریم: تشبیه گسترده؛ م در بگریم: مشبه، ابر: مشبه‌به، چو: ادات تشبیه، گریستن: وجه شبهه
 تو همچو غنچه بخندی: تشبیه گسترده؛ تو: مشبه، غنچه: مشبه‌به، همچو: ادات تشبیه، خندیدن: وجه شبهه

من: مشبه	مرغ: مشبه‌به	نالیدن: وجه شبهه	چو: ادات تشبیه	تشبیه گسترده
تو	سرو	بالیدن	همچو	تشبیه گسترده
من	ابر	گریستن	چو	تشبیه گسترده
تو	غنچه	خندیدن	همچو	تشبیه گسترده

ب) کمان ابرو: تشبیه فشرده؛ ابرو: مشبه، کمان: مشبه‌به

ابرو: مشبه	کمان: مشبه‌به	تشبیه فشرده
------------	---------------	-------------

پ) بلای عشق: تشبیه فشرده؛ عشق: مشبه، بلا: مشبه‌به

عشق: مشبه	بلا: مشبه‌به	تشبیه فشرده
عشق: مشبه	کربلا: مشبه‌به	تشبیه فشرده
جان: مشبه	شهید کربلا: مشبه‌به	تشبیه فشرده

۲ وجه شبه را...

الف) مصراع دوم وجه شبه: به آرامی پخش شدن / پخش شدن

ب) تاریک، ایستادن وجه‌شبهه: قرار گرفتن حجاب و مانعی در برابر چیزی / تاریکی / ایستادن

۳ دو پایه اصلی تشبیه...

الف) چتر خواهش: خواهش: مشبهه؛ چتر: مشبه‌به / نسیم عطش؛ عطش: مشبهه، نسیم: مشبه‌به

زنگ باران: باران: مشبهه، زنگ: مشبه‌به

چتر: مشبه‌به	خواهش: مشبهه
زنگ: مشبه‌به	باران: مشبهه
نسیم: مشبه‌به	عطش: مشبهه

ب) آینه ضمیر: ضمیر: مشبهه، آینه: مشبه‌به

آینه: مشبه‌به	ضمیر: مشبهه
---------------	-------------

۴ نوع تشبیه...

دلم مثل صنوبرها صبور است	تشبیه گسترده	الف
زمین چو سینه سهراب	تشبیه گسترده	ب
اجرام کوه‌ها مانند پنبه دانه است	تشبیه گسترده	پ

در ضمن در همین تمرین ترکیب‌های: جوشن برگ / ناوک صنوبر / و ناوک غان هم تشبیه فشرده هستند.

۵ در اشعار زیر مشبه و مشبه‌به...

الف)

پری‌های هزار افسانه‌ای: مشبه‌به	برف: مشبهه
---------------------------------	------------

(ب)

شمع: مشبه به	روز: مشبه
چراغ: مشبه به	شب: مشبه

۶ تشبیه‌های به کار رفته...

الف) جام عشق - دو پایه: مشبه و مشبه به
 ب) سنگ حادثه - دو پایه: مشبه و مشبه به
 پ) خانه دل - دو پایه: مشبه و مشبه به
 ت) حریر باور / شعله ندامت - دو پایه: مشبه و مشبه به و هر چهار پایه در «که بر کویر عطشناک نیستم چون ابر»

۷ در هر یک از نمونه‌ها...

الف) ادات تشبیه: ماند
 ب) ادات تشبیه: چون / مانستی
 پ) ادات تشبیه: گویی

۸ در اشعار ذکر شده...

تشبیه گسترده خواجوی کرمانی
 تشبیه گسترده کمال‌الدین اصفهانی
 تشبیه فشرده حافظ
 تشبیه فشرده عراقی
 تشبیه فشرده سعدی
 نتیجه: تشبیه فشرده بیشتر است.

۹ در بیت: چو دریای خون شد...

چُ دَرِ یا	یِ خُونِ شُد	هَم دَش	تُ رَاغ
جَ هَانِ چُن	شَبُّ تِی	غَ هَا چُن	چِ رَاغ

کارگاه تحلیل فصل اول

۱ متن «پس از ابرکرم...»

زیبایی‌شناسی:

کاربرد سجع: گل، دل

کاربرد تشبیه: ابرکرم، باران محبت / تناسب: ابر، باران، بارید / واج‌آرایی: ب، ر، و د ... / تکرار: گل (این آرایه‌ها مربوط به بدیع می‌شود)

تاریخ ادبیات:

مرصادالعباد اثر نجم‌الدین رازی معروف به نجم دایه از منشیان و نویسندگان توانا و عارفان وابسته این دوره بود. موضوع کتاب بیان سلوک دین و تربیت نفس انسانی است و نثر آن گاه ساده و گاه دارای سجع و موازنه است. علاوه بر این نویسنده در خلال موضوعات عرفانی، اشعار (از خود یا دیگران)، احادیث و آیاتی نقل می‌کند. این اثر با نثری شیوا، آراسته و دل‌انگیز، مرتبه‌ای والا در میان متون عارفانه دارد.

۲ بررسی شعر مولوی

ویژگی‌های زبانی:

کاربردهایی که نشانه کهنگی زبان و نزدیکی به سبک خراسانی است. کاربرد «بدم» به جای «بودم» / کاربرد «نی‌آم» به جای «نیستم» / کاربرد «گه» به جای «گاه» / «در سایه‌گه» / کاربرد «رخشنده» به جای «درخشنده» / کاربرد «ندهم» به جای «نمی‌دهم» / کاربرد «مرا» به جای «من را» / کاربرد واژگان کهن از قبیل: گدازنده، سبق بردن، زبر، اختر، هفت طبق، زهره، کاربرد «امر» به معنی دستور و فرمان و «امر کردن» / کاربرد «سر» به معنی «راهنما و رهبر» ویژگی‌هایی که بدیع و نزدیک به سبک عراقی است. کاربرد فعل ماضی بدون «ب» / کاربرد واژه‌های جدیدتر مانند: پیشرو، راهبر.

ویژگی‌های ادبی:

۱ قالب: غزل

۲ وزن شاد و طرب‌انگیز: مفععلن

۳ بیت اول: توجه به علوم ادبی بیان و بدیع از قبیل: تکرار تضاد و تشبیه
 بیت دوم: قافیۀ میانی، تشبیه و جناس ناقص
 بیت سوم: مراعات نظیر و تکرار در بیت سوم، کنایۀ تکرار، واج آرای
 بیت چهارم: تشبیه و ایهام
 بیت پنجم: تشخیص، استعاره، جناس ناقص، اشتقاق و مراعات نظیر
 بیت هفتم: کنایه، استعاره و مراعات نظیر

ویژگی‌های فکری:

محتوای شعر عرفانی از نوع کشف و شهودی است و بیانگر شوریدگی و طرب شاعر از درک اقبال حقیقی که همانا عنایت معشوق ازلی است.